

مجموعه داستان‌هایی را بنویسم که براساس ذوق و علاقه مخاطبان امروز باشد. داستان‌های این مجموعه برگرفته از ادبیات کهن هستند و برای آن که مخاطب نوجوان ترغیب شود و به خواندن این کتاب‌ها بپردازد، سعی کرده‌ام شکل و شمایل جذاب‌تری از منظر پرداخت شخصیت‌ها و ماجراهایی که در هر یک از این مجلدها رقم می‌خورد بدهم تا مخاطب بتواند با این مجموعه ارتباط برقرار کند. از این جهت، شیوه نگارش آثار این مجموعه، روان و به دور از پیچیدگی است. نکته مهم‌تر این که عنوان هر جلد را با دقت و وسواس بسیار انتخاب کرده‌ام. در واقع می‌خواستم عناوین جذابی را برای این کتاب‌ها انتخاب کنم تا با آثار ترجمه رقابت کنند. هر کتاب برای خود عنوان مستقلی دارد که «غارهای غول‌های بیابانی»، «طوفان در جزیره بی‌نام»، «مسافران تاریکی» و... برخی از جلد‌های این مجموعه هستند. خاطر م هست، چند سال پیش که تب آثار «هری پاتر» بازار کتاب‌های کودک و نوجوان را برداشته بود، کسی از من پرسید: شنیدی چقدر «هری پاتر» مورد اقبال واقع شده است؟ پاسخ دادم: بله. او گفت: آیا تو هم می‌توانی در این زمینه کتابی بنویسی که تا این اندازه مورد قبول نوجوانان امروز واقع شود؟ و من جوابی نداشتم که بدهم. الان فکر می‌کنم این مجموعه می‌تواند جوابی به این سوال باشد. من در این مجموعه ۲۰ جلدی، به طرح ماجراهای جذابی پرداخته‌ام که می‌تواند نزد نوجوانان امروز جذاب باشد. ضمن این که در این مجموعه، به عناصر دیگری چون سبک زندگی، مردم‌شناسی، آداب و رسوم و... هم نظر داشته‌ام و از این جهت تصور می‌کنم، کتاب‌های حاضر، صرف‌نظر از این که می‌توانند در سرگرم کردن نوجوانان نقش داشته باشند، آموزه‌هایی را هم به همراه دارند که مفید است و به حیطه اطلاعات عمومی مخاطب کمک می‌کند. انتشار این مجموعه را کانون پرورش فکری کودک‌کان و نوجوانان به عهده گرفته و محمدحسین صلواتیان هم تصویرگر آن بوده است. امیدوارم این مجموعه در طول امسال منتشر شود، ضمن این که کانون برای انتشار این کار مرا بسیار مورد همراهی و حمایت قرار داده است. پیش از این، «دشت مرموز» از من به چاپ رسید که دو جلد آن در نمایشگاه کتاب امسال عرضه و خوشبختانه با اقبال خوبی از سوی مخاطب مواجه شد.

شما در سال‌های اخیر به موازات فعالیت نویسندگی، دارای سمت‌های مختلفی در حوزه کودک و نوجوان در صداوسیما هم بوده‌اید که از آن میان می‌توان به مدیر گروهی کودک شبکه یک و دوی سیما اشاره کرد، با این حال مهمترین معضلی که در این حیطه می‌توانید به آن اشاره کنید چیست؟

تردیدی نیست که طراحی داستان و ماجراهای تازه در ادبیات کودک و نوجوان و بهره‌گیری از افکار نو و خلاق می‌تواند به تقویت زیرساخت‌های ادبیات کودک کمک کند. همان‌طور که خودتان هم در سوالات گذشته اشاره کردید، نوجوانان امروز به دلیل این که در معرض اینترنت و اصولاً تکنولوژی قرار دارند، نوجو و نوظلب هستند و دوست دارند وقتی کتاب می‌خوانند دائم با اتفاقات تازه و هیجان‌انگیزی روبه‌رو شوند. نویسندگان هم باید به طراحی چنین داستان‌هایی بپردازند تا مخاطب نوجوان بیش از پیش نسبت به کتاب و کتابخوانی جلب شود. البته طرح و نگارش داستان به‌خودی خود کافی نیست، بلکه انتخاب اسم اثر شاید مهم‌ترین و سخت‌ترین بخش کار یک نویسنده باشد. درباره خود من همیشه این‌طور بوده است که در انتخاب اسمی کتاب‌هایم دقت زیادی می‌کنم و گاه شاید ماه‌ها برای این که چه عنوانی را روی کتاب بگذارم تأمل می‌کنم. نمونه آن مجموعه «دشت مرموز» است که حتی برای تک‌تک شخصیت‌های کتاب هم وقت گذاشتم و اسمی را طراحی کردم تا مخاطب نوجوان امروز بتواند با آن ارتباط برقرار کند. بعضی از نویسندگان از کنار این مسئله به سادگی عبور می‌کنند، در حالی که عنوان یک کتاب می‌تواند در جذب مخاطب نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. چه بسا بارها در سینما، تئاتر و ادبیات، آثاری بوده‌اند که به لحاظ مضمون از جذابیت زیادی برخوردار بوده‌اند، اما چون عنوان ضعیفی برای آنها انتخاب شده است، مخاطب آن‌طور که شایسته این اثر بوده به آن توجه نکرده و همین امر باعث شده تا کار زمین بخورد. گاهی هم نویسنده با هوشمندی خاصی که دارد، عنوانی را برای اثر خود انتخاب می‌کند که با وجود آن که کار متوسطی است اما با کمک اسم جذاب، اوج می‌گیرد و خیلی زود نظر مخاطبان را به خود جلب می‌کند. در مجموع، انتخاب اسم برای یک اثر، جزو معیارهای سنجش نوآوری نویسنده است.

رومی‌ها صحبت شده است. از این منظر، منابع فرهنگی ما غنی است، منتهی هر کاری که در حوزه کودک و نوجوان انجام می‌شود باید بدیع و نو باشد. به قول ابوسعید ابوالخیر: خداوند رحمت کند کسی را که یک قدم فراتر می‌رود. مسئله این است که هر نویسنده‌ای می‌تواند وارد حوزه باز نویسی و بازآفرینی شود، اما اگر جذاب و تاثیرگذار ننویسد، از بازار علاقه مخاطب دور و بعد از مدتی به کلی محو می‌شود.

اما بیراه نیست اگر بگوییم غلبه تکنولوژی بر جامعه امروز ما باعث شده تا کودکان از کتاب و کتابخوانی و به قول شما ظرفیت عظیم ادبیات کهن فاصله بگیرند و فضای مجازی برایشان جذابیت بیشتری داشته باشد.

من بر این باورم که کتاب‌های کودک در حال حاضر مخاطبان زیادی دارد. حتی به جرات می‌توان گفت که امروز فعال‌ترین ناشران؛ چه ناشران خصوصی و چه ناشران دولتی در عرصه کودک و نوجوان هستند. این مسئله در نمایشگاه کتاب امسال هم به خوبی مشهود بود. اما اصولاً فرهنگ‌سازی نسبت به مقوله کتابخوانی همیاری تمام نهادها و دستگاه‌های مرتبط دولتی را می‌طلبد. من طی این سال‌ها، در کنار امر نویسندگی، به واسطه حضور در رسانه‌های تلویزیون، رادیو و مرکز «صبا» تلاش کردم تا کارهای زیادی را برای تقویت کتابخوانی کودکان و نوجوانان انجام دهم. یک بخش این تلاش، «قصه‌های جمعه» و یک بخش دیگر «قصه‌ها مثل شد» بود که می‌توان گفت؛ نقطه عطف و زمینه‌ساز تولید مجموعه‌هایی مثل «شکرستان» و «حکایت‌های کمال» شد. یکی از کارهایی که به نظر من جای آن در حال حاضر در ادبیات کودک ما خالی است مسئله اقتباس است. این رویه در تمام دنیا مرسوم است و بارها دیده‌ایم که آثار ادبی شاخص جهان مانند «بینوایان»، «هاکلبری فین»، «اولیور تویست» و... بارها و بارها در قالب‌های مختلف سینمایی، تلویزیونی، نمایشی و حتی پویانمایی تولید شده‌اند. ما هم باید به این سمت برویم و از ظرفیت آثار ادبی کهن و معاصر برای اقتباس استفاده کنیم تا نسل جوان بیش از پیش به سمت و سوی مطالعه کتاب جذب شود. البته ناگفته نماند که پویانمایی کتابخوانی که در سال‌های اخیر به توسط صداوسیما راه‌اندازی شده در این زمینه موثر بوده است. اما از آنجایی که فرهنگ کتابخوانی پیش از هر چیز، درون خانواده شکل می‌گیرد، والدین می‌توانند سهم جدی در این زمینه داشته باشند. به عنوان مثال، وقتی خانواده‌ها دور هم جمع می‌شوند، برای کودکان قصه بخوانند و جمع‌های قصه‌خوانی داشته باشند. مراکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان و نهاد عمومی کتابخانه‌ها در این سال‌ها قدم‌های تاثیرگذاری در این زمینه برداشته‌اند که مسلمان‌برآیند چنین حرکت‌هایی، به اتفاقات خوبی در حوزه کتابخوانی منجر خواهد شد.

در چهارده اخیر، ادبیات کودک ایران در مجامع بین‌المللی مطرح و شناخته شده است، به طوری که هر سال شاهد معرفی نویسندگان ایرانی نامزد جوایز آسترید لیندگرن، آی، بی، بی، وای، هانس کریستین آندرسن و... هستیم که باعث می‌شود نام ادبیات کودک ایران بیش از پیش نزد کشورهای دیگر جلب توجه کند، با این اوصاف از دید شما ادبیات کودک ایران توانسته جهانی شود؟

بدون شک ظرفیت ادبیات کودک ما امروز بیشتر از این است که تا حالا دیده شده. نهادهای رسمی کشور مثل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، وزارت فرهنگ، سازمان تبلیغات، حوزه هنری و... هم باید تا جایی که می‌توانند تلاش کنند تا ادبیات کودک ما بیشتر در معرض معرفی و شناخت جهانیان قرار بگیرد. به خصوص این که پیشتر هم اشاره کردم، امروز ظرفیت ادبیات کودک ایران به‌واسطه حضور نویسندگان فعال و شناخته شده و آثار مهمی که در این حیطه خلق شده‌اند گسترده‌تر هم شده و طبعاً جای آن است که بیش از پیش از این ظرفیت بهره گرفته شود. در عین حال، رایزنان فرهنگی هم می‌توانند در معرفی ادبیات کودک ما در عرصه‌های جهانی نقش زیادی داشته باشند و با شناخت بازارهای هدف، فضاهای مورد اقبال کودکان و نوجوانان را شناسایی کرده و از نقاط قوت ادبیات کودک ما در جهان استفاده کنند.

درباره مجموعه اخیرتان که در حال حاضر آماده چاپ است بیشتر توضیح دهید.

«گنج قصه‌ها» عنوان کلی این مجموعه است، من برای نگارش این مجموعه آثار مختلفی را مورد مطالعه قرار داده و سعی کرده‌ام

می‌تواند در این حیطه به خلق اثر بپردازد که در جه اول شناخت زیادی نسبت به ادبیات کهن داشته باشد. کما این که در گذشته هم، نویسندگان بزرگی به شیوه نظیرسازی به ارائه اثر پرداختند و براساس حکایت‌های قدیمی به نگارش آثار امروزی پرداختند، نمونه بارز آن «تون‌والقلم» جلال آل احمد است. اگر چه نویسندگان، در حال حاضر کمتر به سراغ چنین شیوه‌هایی می‌روند. در حالی که به نظر من نویسنده باید در تمام عرصه‌ها؛ از ادبیات گرفته تا فیلمنامه‌نویسی، نمایشنامه‌نویسی و اساساً حوزه ادبیات مکتوب، خلاقیت را ملاک اصلی کار خود قرار دهد تا اثرش نزد مخاطب مورد توجه واقع شود.

به محض این که صحبت از باز نویسی و باز آفرینی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان می‌شود، ذهن اغلب نویسندگان این حیطه به سمت شاهنامه می‌رود، کما این که با نگاهی اجمالی به کارنامه ادبیات کودک در این زمینه، می‌توان مشاهده کرد که کفه آثاری که براساس حکایت‌های شاهنامه نوشته شده در قیاس با دیگر آثار ادبیات کهن، سنگینی می‌کند، به نظر شما ممکن است یک دلیل گرایش اغلب نویسندگان به شاهنامه به این خاطر باشد که متون دیگر کمتر از قابلیت باز نویسی و باز آفرینی برخوردارند؟ یا چون دیگر آثار ادبیات کهن ما دارای تکلف و پیچیدگی‌های متنی و محتوایی هستند نویسنده ترجیح می‌دهد که متن ساده‌تری را برای باز نویسی انتخاب کند؟

البته کار کردن در حوزه شاهنامه همیشه و در هر زمان دارای ارزش خاصی است. دلیلش هم این است که شاهنامه سند ملی تمدن ما ایرانیان به شمار می‌رود. از این‌ها گذشته، حکایت‌های شاهنامه در قیاس با دیگر آثار ادبیات کهن، زبان ساده‌تری دارد و ماجراها چندلایه و پیچیده نیستند. اما در عین حال به رغم ساده بودن زبان، شناخت شاهنامه دشوار است. ممکن است نویسندگان زیادی درباره شاهنامه بنویسند اما تعداد معدودی از آنها به کنه و عمق این اثر بزرگ و ماندگار پی ببرند. در مجموع، از آنجایی که هر کدام از حکایت‌های شاهنامه جذابیت منحصر به خود را دارند و به زبان ساده‌ای نقل شده‌اند، اغلب نویسندگان در حوزه باز نویسی و باز آفرینی به سمت شاهنامه می‌روند. من هم در این زمینه با شما هم عقیده هستم که در سال‌های اخیر، شاهنامه بیش از سایر متون کهن در معرض پژوهش، باز نویسی و باز آفرینی قرار گرفته و دیگر آثار در این زمینه تا حدود زیادی مغفول مانده‌اند. ما منابعی در ادبیات کهن داریم که شاید کمتر نویسنده‌ای اسم آن را شنیده باشد. ولی با این حال، باز هم معتقدم هر چقدر که درباره شاهنامه نوشته شود کم است. البته بر این باورم، هر اثری که در قالب باز نویسی و باز آفرینی نوشته می‌شود، باید با دیگر آثار پیش از خود تفاوت داشته باشد تا معلومات تازه‌ای را به مخاطب اضافه کند. به ویژه این که ما در این حیطه با مخاطب کودک و نوجوان مواجه هستیم، بنابراین اثری که خلق می‌کنیم حتماً باید با بار محتوایی و آموزنده برخوردار باشد.

بعضی از اهالی ادبیات کودک، سال‌هاست به این مسئله اشاره می‌کنند که جای ادبیات خلاقه در مدارس فعلی ما خالی مانده و نظام درسی امروز بیش از آن که به پرورش استعداد‌های کودکان و نوجوانان منجر شود، کنکور زده است، حتی در این ارتباط، آن دسته از نویسندگانی که از کتابخانه مدارس خبر دارند، به این مسئله تأکید دارند که یک دلیل این که بین طیف کودک و نوجوان و کتابخوانی فاصله ایجاد شده است، کم کاری کتابخانه‌های مدارس و جذاب نبودن کتاب‌هاست، خود شما به عنوان نویسنده‌ای که سال‌ها در این حیطه قلم زده‌اید، نقش ادبیات خلاقه در مدارس را چطور ارزیابی می‌کنید؟

بله، به نظر من هم باید به این مقوله بهای بیشتری داده شود. نکته مهم این است که کتابخانه مدارس باید آثاری در حوزه ادبیات خلاقه داشته باشند تا کودکان و نوجوانان با مراجعه به کتابخانه، بتوانند با آثار متنوع، به خصوص، کتاب‌هایی در حوزه ادبیات کهن و عامیانه ایران آشنا شوند. آنچه مسلم است این که هر کدام از این آثار، شناسنامه و هویت ما را تشکیل می‌دهند و نشانگر این هستند که ایران کهن در مسیر جاده ابریشم قرار داشته است. چهار راه ابریشم همیشه محل تلاقی تمدن‌های بزرگی مثل ایران، چین، رم، هند و... بوده است. نمونه بارز این مسئله را می‌توانیم در حکایت‌های مولانا مشاهده کنیم؛ در اغلب حکایت‌های مولانا از چینی‌ها، هندی‌ها و